

متن پرسش

با سلام: ظاهراً موسیقی از زمان حضرت آدم علیه السلام با دو دسته شدن قوم ساخته شده، بیشتر از هر چیز یک قرن گذشته تا به امروز موسیقی اوج گرفته بطوری که خوانندگان را فرشته ای میبندد که به جای آنها میخواند یا تسکین دهنده رنج ها و برگیرنده از کثرات و وحشی گری هاست یا بالعکس. حتی از بزرگترین تشیع جنازه های دنیا بعد از مذهب و سیاست به خوانندگان تعلق گرفته و شرق و غرب هم نشناخته. پیداست امر خاصی در پشت این ظواهر مخفی شده که بنده حرفی برایش ندارم اما می شود در چهارچوب انسان شناسی مخصوصاً بشر آخر سخنی را با بنده در میان بگذارید؟ بسیار مشتاقم تا ببینم آیا امکاناتی هست که خدا وقتی با نواهای خوش بندگان را جانب خود میخواند گوش های ما نیز آن نداها را بشنوند؟ آیا امکانش هست در شرایط های پاک درون و بیرون که دست شیطان بسته است و جهانی سرتاسر خوشخوان و در یک عمومیت بشر بتواند از شلوغی ها به سوی یگانگی خود را نجات یافته بیابد و تسکین گیرد؟ می دانیم تسکین و سلامت نفس با رجوع به ابعاد اصیل انسانی خود محقق می شود و می دانم اگر در شرایطی غیر از جهان توحیدی آخرالزمان بود چنین سئوالی معقول نبود اما اتفاقاً امروز پرسش این سئوال باعث خوشحالیست زیرا شرایط ها در حال تغییر است و هر آنکه قدم ها را محکم و سریع تر بسوی آینده خویش یا همان انقلاب اسلامی بردارد مستقر تر و مستحق تر است برای یافتن استعداد ها و شگفتیهای انسانی خود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده نیز حقیقتاً از این که نقش موسیقی در آن زمان ها چه بوده، اطلاعی ندارم. آری! بعید نیست ندای عالم بالا بوده که به ظهور آمده و البته با غلبه خودخواهی های بشر بر روان انسان، آن راه بسته شده است. به نظر می آید آنچه امروز می تواند مد نظر باشد آن است که اگر راهی بس گشوده و گسترده سزاوار این انسان ها است که شماها باشید، چرا همچون پرنده های بال های آماده پرواز خود را نمی گشایید تا بام های بلند آسمان جایگاه شما باشد؟ تا احساس پوچی به سراغتان نیاید. اگر باغچه جانتان دارد می میرد و اگر حیاط خانه جانتان تنها است و در انتظار بارش یک ابرناشناس است، چرا به ابرناشناسی که با حضور در جهان دیگر انسان ها در حال بارش است پرواز نمی کنید؟ چرا به راهی که بس گشوده و گسترده مقابلتان گشوده شده است، فکر نمی کنید تا همه دشت ها در درونتان به ظهور آیند؟ دشت هایی که انسان ها در آن و در این روزگار معنای قناعت و تواضع و دوست داشتن و مهرورزی و تقوا را یک جا می فهمند و با حضور در خاطرات سبز و زنده دیروز

فردای خود را معنا می‌بخشند تا جواب گشودگی و گستردگی خود را بدهند و گرفتار نیست‌انگاری این دوران که همان بی‌جواب‌گذاشتن بال‌های آماده پرواز است، نشوید. موفق باشید